

رسالة
ستين به جوامع
الهي

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان <http://dli.iit.ac.in>
باز تکثیر از کتابخانه کتاب فارسی <http://www.KetabFarsi.com>

عزیزتر داشتند مکتوب شد (کتاب ملائک نبوی باب ۳
 آیه ۱) - و خدای ذوالجلال در باره این چنین عابدان
 امین متقی خویش میفرماید - ایشان در آن روزی که من
 تعیین نموده ام ملک خاص من خواهند بود و برایشان
 نرحم خواهم نمود چنانکه کسی بر پیش کماور را خدمت میکند
 نرحم می نماید (کتاب ملائک نبوی باب ۳ آیه ۱۷)

مخفی نماند که بر حسب آنچه از مرده اند اعلم حضرت
 یادشاه ایران (آدم الله اقباله التصدق و آزاده) در سفر
 ملوکانه خویش جواهرات بی بجای را کلام و فاسد دارند
 که شهرت بجایب و شراب آن خزانه به سامع جمیع اصناف
 مدینه رسیده است - و میان آن خزانه پادشاهی الماسها
 دیده شده و با قوسهای دیکه از آن و نیزه های مینو قام و
 لالی شاهوار و جواهرات بی بجای دیگر یافت میشود
 که اعلم حضرت شاهدشاه ایران آنها را بنویس محفوظ میدارد

و هرگز رضا بآن نمیدهند که شخص آنها را از خزانه خانه
 خصم سلطنت بریابد - و چنانچه در این عهد ایستاده اند
 که پادشاه پادشاهان است بر اهرات مقبول مرغوب خود
 نیز نگاه میدارد که بسیار آگوشد و بسیار از بیکس آنها را
 از دست فد برش بریابد چنانکه خداوند چنانکه مسیح در دنیا
 بجهت خود در باره جید بایان خود پیش فرموده است - پنداره
 بمن داد از همه بزرگتر است و کسین نمیتواند از دست پنداره

من بگوید (انجیل یوحنا باب ۱۱ آیه ۲۹)

البته بیخوب معلوم است که او که در عالم
 جواهرات در حق زمین پنهان میبود و ایشان میان سنگها
 بیفایده درشت در خاک و گل پنهانی و پدید میسرده مانند
 پامال ناس و حیوانات میکشت جز در سری که در سنگ
 در پای عمیق در صدفهای بد شکل کل الوده منفی
 مانند و مثل از اینکه آن جواهرات کوه تا کوه در جها

ز بهر فرزندت تاج پادشاهان گذاشته شود که لازم بود که
 سره آن نویختند که کاشای عبق در زمین کند آنها
 از خاک پالک سازند و از پیران آن معدنهای نو روزی
 برسانند و با درجه بی سوادها و زنده بهر طبع
 و ده با خطر و جسد تمام آنها را از آنجا بیرون آورند و
 ما را یکبار این جواهرات و بهر مضافات اصلی خود
 میمانند هیچ تأثیر در بخش و جلال و جلال و خوب صورت
 نداشت و اما چون انصار ادراک کرده و پانزده ساله
 جلادانند آنگاه که بی نظریان پادشاهان شد و چنین
 قبل از آنکه خدای رحمن و رحیم ما این بندگان متقی خود را
 در بافته از آتش کشته و از این اثر و در فرقی و خود پرستی
 و از کل ناپاک و بدسلوک پال و طاهر کرده باشد ما نیز
 بالکل بدون فضا باشد و بی همه اینها بیسوده در یاد
 ز شسته میماند که اگر چه اسم خدا را شده و به پیوسته است
 که این جواهر

اورا شناخته شود و روشن دل نگردد و بودیم و پیران عالم
 نشا ایست ماهویه بود که بیاید و بیخدا از دست میزند
 و اما چون شخص دعوت الهی را شنید و به نفس روح
 القدس توبه کرده با ایمان بر خداوند و نجات دهد و توبه
 ما عیسی مسیح انابت نماید آنگاه خدا که او را برای شناسا
 پال خود اعتریفه و با تعجب بی نهایت و پراجسیر نمود
 آخر آن مرد در پانته است آنگاه چون نخستین قال بیان بخت را
 در میان جواهرات خود و سوسپ بنفر ما بدود در مالک و خراج
 خود را مثل پاسبازد

و تفاوت ما بین جواهرات بپیمان و جواهرات
 جاندار اینست که آنها قبل از این که مردمان آنها را در پانته
 بنظر و رسا شده باشند که گشته بود که چیزی در صدمه طلب
 زمین باد و نه در پانته ان و غنفته میمانند و پانته او که مالک
 نداشته بود و اما بنی نوع بشر قبل از آنکه خدا ایشانرا از

رساننده از نجاست قلبی شست و شو فرموده باشد و ^{نعم} اگر
 گشته بودند ذررا جداد ایشان از راه خدا و از دین حق که
 پیمان حضرت ابراهیم باشد گمراه شده جمیع اولاد پیچیده
 خود را در ضلالت روحانی و در کراهی مذهبی مبتلا و گرفتار
 کرده بودند و آنرا که عادت عموم مردمان این است که بدون
 تقیید و تفحص ادیان ابا و اجداد خویش را تقلید مینمایند و اگر
 نور الهی برای هدایت ایشان بر چشمان نادیدگانشان بدرخشید
 پس اکثر اوقات با تعصب بیفهم آنرا رد کرده از آن روشنائی
 اندرین مبارک چشم پوشی مینمایند - و چونکه هر کس در ویر
 گناه مبتلا شده است و چنانکه حضرت یوحنا که بالهام
 ربانی فرموده - کسی که گناه میکند از ابله پس است (رسالة
 اول یوحنا باب ۲ آیه ۱) - بتا برین هویدا میشود که هر
 ما گشته بودیم و اگر خدا هنوز ما را در نیاخته باشد چنانحال
 بود در آن حالت هستیم - زیرا نباید پوشیده همانند که بنی آدم

و نظر در قسم بسیار شنید یعنی گشودگان و پافت شدگان
 و بهر که در زمره پافت شدگان خدای تعالی محسوب نشاید
 انشعور تا بحال که مانده است - ای ملاحظه کننده عزیز
 بود که ام طایفه میباشی - ایا اسم خود در دفتر پافت شده
 در بین کتاب مکاشفه باب ۲۱ آیه ۲۷ و پا (خدا بخواند)
 ایا هنوز در گناه مبتلا مانده خدا را شناخته - زیرا که
 تا بحال در فید شیطان که کتاهت گرفتار همان بدانکه
 که شده و هر چند که خدای رحیم ترا جسنجو فرسوده بجانب
 خود دعوت میکند تا تو نیز همان جواهرات الهی شهرت شو
 اما اگر آواز او جل جلاله را با خضوع نشنوی و بسوی او
 با توبه خضعتی برنگردی پس هرگز در نایح سلطنت آن رب
 الوریای بجای نخواهی یافت بلکه در کج و تیجاست خواهی ماند
 و خیز پر هام ترا پاپمال خواهند کرد ایند

در اینجا محذره است که روزی خداوند

بمیسی مسیح برای شاکر و آن خود مثل آورده فرمود - کدام
 زن است که ده درم داشته باشد هرگاه بگذرد کمزشود
 چراغی افروخته ماند و اجاروب نکند و بدقت نظر نماید
 تا آنرا بیابد - و چون یافت دوستان و همایکان خود را
 جمع کرده بگوید با من شادی کنید زیرا دیرم گشده را
 پیدا کرده ام - همچنین بشما میگویم شادی برای فرشتگان
 خدا روی میدهد بسبب این خطا کار که نوبه کند را بنیل
 لوقا باب ۵ آیه ۸ الی ۱۱ - و از این مثل باید فهمید که خدای
 تعالی که سوت و ملائکت هیچ گناه کار را نمیخواهد بلکه این را
 میخواهد که جمیع عاصیان نوبه کرده بسوی او رجوع بدارند تا تاب
 نموده حیات ابدی و مشربیت جاودانی حاصل کنند پس این
 کتاب حزقیال نبی باب ۸ آیه ۲۳ (مع) از کرم بدوانه و بیخ
 پیایان خود را لب نبات مسیح گراهان میباشد و از آن
 چه بکاشند مدینه خدا بختی شود، و لباس بشریت را در بر

کشیده داخل این دنیای ناپایدار گردید تا که شدگان را جبر
 نموده در پاید و جواهرات ارواح انسانها از کل گناه برداشته
 پاک و ظاهر بگرداند چنانکه خود آن خداوند ماعلی صلی
 فرموده است - پس انسان آمده است تا که کشیده را بماند
 بخت (بجمل منی بانب ۱۱ آیه ۱۱) - و از اینجهت یعنی رحیم
 پررفت مالا کلام از تحت سماوی خود در این دنیای پر گناه
 و شقاوت نازل فرموده و شریک انسانیت ما گردیده و
 در بند در پای عیش شفت و فلاکت بشری غول خورده در پی
 هر سروارید انسان شد تا آنرا در پافت کرده بر آورد و بر ویر
 روشن معرفت الهی برساند و آنرا جلاداده در سپان جواهر
 کرانهای تاج جلالت خود تر صبیع نماید - و با این اراده کرمانه
 آن نبات دهند پر کرم هر جواهر پرا که در پافت کند در بحر
 بی پایان عیش بی نه خویش شست و شوداده در جریان خود
 بی بجای خود پاک و ظاهر بگرداند - پس از اینجهت است که خود

وی در کتب انبیای خود فرموده است که - ایشان
 در آن روزی که من تعیین نموده ام سلب خاص من خواهند
 بود و بر ایشان ترحم خواهم نمود چنانکه کسی بر پیشش که او را
 خدمت میکند ترحم نماید

ای برادر عزیز با خداوند ما علی بیخ
 هنوز ترا در پانف گریه است و با آن نوه نور در کل گناه مبتلا
 هفتاد و نوری شناسائی الهی را ندیده - اگر حالت تو چنین
 باشد پس نباید مایوس ز ما امید بگردی زیرا امر و نیز ما
 بحکم او تعالی که تالیق و پروردگار جمیع مایه باشد این مشوره
 پیش قیمت را بکوش تو میسر میسایم که آن مخلص بی پیش در راه تو هم
 جان عزیز خود را تضاد ز اثر این عیانت بخشد و اگر امر و نیز او از
 خوش الحان در اوست نوعی دل خود را مصفت مساز میباید از آن
 فیض و برکت رسد چنانکه می گوید که خدای عز و جل انرا برای تو
 بهیئت کرده است معبر بودی بر این بیان - امر و نیز خدا بنو

مهلت می بخشد تا انجات یافتن شریک بهیلت جاودات
 اصحاب بهت کسری در آن مهلت را خنیمش شمرده و انبوا
 بسری او عالی بعد از قلب انابت نما تا از صد گناه و از
 هلاکت ابدی و از موت ثانی جاوید همان یافتن وارث
 نجات سرمدی بردی

و اما اگر توفیق از اینهم بخدا را بخواه طاعت آن مظهر
 الهی و مید که عبارت از مسیح است شناخته باشی و از اینها
 اگر چه الان در این دنیای فانی معانی اما از این دنیا
 بدستی بلکه میان جواهرات فیه ان پادشاه اعظم الشان
 جل جلاله شمرده شده پس باید با تمام دل خدای رحمن و رحیم را
 شکر گذار باشی و من بعد برای جلال و اکرام او سبحان و زینت
 نماز - و عذوه بر اینهمه واجب و لازم است که هرگز
 فراموش نکنی که تا بحال بسا جواهرات گران بها در معدنهای
 عینی افروام و طوایف متفرقه متعدد است یعنی آدم مخفی و پنهان

میمانند که بندگان امین و خادمان وفادار نجات یافته
 خدا بایند آنها را نیز برای زینت و آرایش تاج ملوکانه خالق
 و مالئکم خود بپوشند زیرا خدا موت گناه کاران را پنهان
 بیکدیگر نمینماید که هر خطا کار از گناهان خود توبه کرده
 نجات یابد (بین کتاب حزقیال نبی باب ۱۸ آیه ۳۷) -
 خدا طالب نجات جمیع مردم است و از این سبب خداوند ما
 عیسی مسیح در بشارت کریمانه خود که عبارت از انجیل یسای
 میباشد شاکردن جیب خویش را مقرر فرموده است که -
 رفقه همتها و اشاکرد سازید و ایشانرا با اسم اب و ابن
 و روح القدس بنمید دهید و ایشانرا تعلیم دهید که همه
 اموری که بشما حکم کردم حفظ کنند و اینک من هر روز
 تا انتضای عالم همراه شما میباشم (انجیل یسای باب ۴۸ آیه
 ۱۹) - و در جای دیگر میفرماید - در تمام عالم بروید و
 جمیع خلایق را انجیل موعظه کنید (انجیل مرقس باب ۱۶ آیه ۷)

و نیز در پی رسیدن با صومعه بود ایشان گفت - شاهدان
 در آنجا بودند و در اورشلیم در میان یهودیه و سایر و نافع
 جهان (کتاب اعمال رسولان باب اول آیه هشتم) و
 علاوه بر این همه آن نویسنده است که در سری قبل از آن نیز
 آن خداوند کریم ~~در این کتاب~~ برای تعلیم و تحصیل علم
 گوناگون بنزد وی آمده بودند بنکریت - در آنجا ایشان
 بودند زیرا که ما شاهد کوفتداری ایشان در آن حال
 و پراکنده بودند - ~~و~~ با کردار خود گفت - حصاد
 فراوان است لیکن ~~در~~ پس از صاحب حصاد استرعامان
 است در حصاد خود ~~در~~ پس از فصلی باب ۹ آیه ۳ و
 لاس ~~است~~ که بعضی خدا بواسطه خون بی بهای خداوند
 سعادت مسیح نجات و حیات ابدی یافته باشد بسیارند
 نیز بر کثرت گمراهان پیاده بسوزد تا برای ایشان کوشش کند
 و مشرف نجات و رحمت خدا را از ایشان در نجاتند که آن

غزانه الهی را با ایشان تقسیم کرده ایشانرا نیز شریک و همسر
 مند در خوشی و سعادت جاودائی جیبان خدای بگرداند -
 و اگر سبب ضعف بدنی و پائیزی خود قادر بر این نباشد
 که ساحت و مناظر روحانی نماید تا بجهت حال میتواند برای
 بیع کمالهات دعا نماید تا خداوند به باب سعادت روحانی خود
 ارسال فرماید و قلوب مستمعین انجمن جلیل خود را مهتاب
 سازد تا آن مشرکه را با خضوع شنید و بصدق دل قبول کرد
 و رتبه نجات کردند و آخر الامر چون آنرا امثال منجین برای
 ظهور جلیل مسیح و داوسری دیدند که در آنجا رسید باشد
 (که ما در روز بروز انتظار آنرا می کشیم) و این جواهرات گرانچه
 خدای رحمن و رحیم شمرده شوند -

وای برادر عزیز بزرگه این رسیده که با ما بنواست
 باشد بدان که معصیت این اوسراق برای تو نزد خدای پدره
 بچشمها دعا می نماید که تو نیز مثل یونس رسول بنوائی از بجزیره